

مبانی تحقق بزه خیانت در امانت در مال مشاعی با نگاهی بر آرای قضایی

امیررضا اسداللهی*

چکیده

خیانت در اموال به امانت گذاشته شده به ضرر مالک یا متصرف آن، که در قالب یکی از چهار رفتار: استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن محقق می‌شود، را خیانت در امانت گویند. در اموال مشاع، طبق تعریف قانون مدنی و اذعان حقوقدانان، شریک یا شرکاء در تمامی اجزای مال شریک هستند. با معان نظر به این که در جرایم علیه اموال، «دیگری بودن» باید احراز گردد، تحقق بزه خیانت در امانت در اموال مشاع مورد تردید واقع شده است و محمل اختلاف نظر حقوقدانان از طرفی و منشاء اختلاف رویه در محاکم گشته است. این تردید زمانی بیشتر می‌شود که مقنن، تحقق بزه سرقت در اموال مشاع را در ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی نموده است؛ مضافاً این که در خصوص تخریب نیز، رأی وحدت رویه‌ی ۱۰ - ۲۱/۷/۱۳۵۵ تحقق این جرم را در اموال مشاع محقق دانسته است. به همین منظور، این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و همچنین با نگاهی به آرای قضایی، به دنبال مبنایی می‌باشد تا بتوانیم در این خصوص به اختلافات و تشتت آراء خاتمه داده و مبانی را همانا حمایت از بزه‌دیده، حفظ نظم عمومی، حمایت کیفری از مالکیت افراد، انصاف و عدالت و عدم ویژگی خاص در تخریب و سرقت‌یافته و بزه خیانت در امانت در خصوص اموال مشاع، محقق دانسته شود.

واژگان کلیدی: مبانی، اموال مشاع، خیانت در امانت، آرای قضایی، حمایت از

بزه‌دیده.

مقدمه

حفظ امانات دیگران به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی و اخلاقی، همواره مورد توجه ادیان بوده است. دین اسلام نیز به این مهم توجه نموده است^۱ و خیانت در امانت را ناپسند می‌شمرد. توجه به خیانت در امانت، از نظر قانون‌گذار نیز مغفول نمانده و از دیرباز و از زمان تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ این عمل را جرم‌انگاری^۲ و برای مرتکب این جرم، مجازات حبس تادیبی مقرر کرده بود. این عمل در ماده‌ی ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز، جرم‌انگاری شده است.

خیانت در امانت عبارتست از: خیانت در اموال به امانت گذاشته شده، به ضرر مالک یا متصرف آن، که در قالب یکی از چهار رفتار: استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن محقق می‌شود. ماده‌ی ۵۷۱ قانون مدنی^۳، شرکت را به اجتماع حقوق حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد به نحو اشاعه تعریف نموده است. حق مالکیت هر شریک، انتشار یافته در همه مال است و تصرف و انتفاع از هیچ بخشی از مال در انحصار هیچ یک از شریکان نیست؛ همچنین در مورد مال مشاع، گفتنی است تمام شریکان بر مال مشاع حق عینی دارند و حق به تناسب سهمی است که هر یک در این مجموعه دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

آن چه در جرایم علیه اموال اهمیت دارد؛ این است که این جرم باید در خصوص «اموال دیگری» صورت پذیرد و در مورد مال خود فرد امکان تحقق جرایم علیه اموال وجود ندارد. حال در اموال مشاع این سوال پیش می‌آید که امکان تحقق بزه خیانت در امانت در اموال مشاعی (با وجود سایر شرایط) وجود دارد یا خیر؟ در سرقت، با توجه به نص صریح قانون که در ماده‌ی ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است، تحقق بزه سرقت در اموال مشاع پذیرفته شده است؛ لیکن در خصوص بزه خیانت در امانت بایستی به دنبال مبنایی بود که بتوان به-وسیله‌ی آن تحقق یا عدم تحقق بزه را توجیه ساخت.

در خصوص تحقق یا عدم تحقق بزه خیانت در امانت در اموال مشاع که بسیار

۱. آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نساء: *إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا.*

۲. ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴.

۳. شرکت عبارت است از: اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد به نحو اشاعه.

مبتلا به محاکم می‌باشد رویه‌ی واحدی وجود ندارد؛ ضمن این‌که در تحقق این جرم در اموال مشاع، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. با امعان نظر به این‌که در خصوص بزه خیانت در امانت در اموال مشاع پژوهش و تحقیقی صورت نپذیرفته است و با امعان نظر به این‌که یافتن مبنایی برای پاسخ به این سوال می‌تواند به تشتت آراء خاتمه دهد، پژوهش در موضوع پیش رو موجه جلوه می‌نماید. لازم به ذکر است؛ روش کار این مقاله با روش تحلیلی_توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر فقهی و حقوقی و همچنین با نگاهی بر آرای قضایی می‌باشد.

۱. کلیات

۱.۱. خیانت در امانت

در حقوق ایران، تعریف مشخصی از خیانت در امانت ارائه نشده است و حقوقدانان با مطمح نظر قرار دادن ماده‌ی ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی^۱ مصوب ۱۳۹۲ تعاریف مختلفی ارائه نموده‌اند. «خیانت در امانت؛ عبارت است از: تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال نمودن اموال یا اسناد به زیان مالکین یا متصرفین آن‌ها، وقتی اشیا مزبور به‌عنوان اجاره، امانت رهن، وکالت یا هر کار، با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و مقرر بوده است که اشیاء مزبور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد» (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۳۹۱). برخی دیگر در تعریف خیانت در امانت بیان داشته‌اند: «استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن توأم با سوءنیت مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به کسی سپرده شده و بنابر استرداد و یا به مصرف معین رسانیدن آن بوده است» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۱۴۷). دکتر لنگرودی نیز اظهار داشته‌اند: «استعمال مال مورد امانت توسط امین، در جهتی که منظور صاحب مال نباشد؛ استعمال اعم از تصاحب یا تلف کردن یا گم کردن است»

۱. هر گاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته‌هایی؛ از قبیل: سفته و چک و قبض و نظایر آن، به‌عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت، به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور، مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آن‌ها را به ضرر مالکین یا متصرفین آن‌ها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

(جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۷۹). با امعان نظر به تعاریف موجود می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که خیانت در امانت؛ عبارت است از: خیانت در اموال به امانت گذاشته شده به ضرر مالک یا متصرف آن، که در قالب یکی از چهار رفتار: استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن محقق می‌شود.

بایستی به این نکته توجه نمود که خیانت در امانت صرفاً در قالب یکی از چهار رفتار: استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن تحقق می‌یابد؛ مضافاً این‌که بایستی حتماً «سپردن» صورت پذیرد تا خیانت در امانت محقق شود. بزه خیانت در امانت ناظر به اموال بوده و شامل امور غیرمالی؛ نظیر: اسرار تجاری، گواهینامه رانندگی، کارت ملی و... نمی‌شود.

برای تحقق خیانت در امانت چهار مورد باید وجود داشته باشد:

۱. اشیاء مذکور در ماده به شخص سپرده شده باشد.
۲. بنا بر این باشد که مال سپرده شده مسترد (بازگردانده) شود یا به مصرف معین برسد.
۳. شخصی که مال نزد اوست، مال را استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود کند.
۴. استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود کردن مال توسط امین، به ضرر مالک یا متصرف باشد (غفوری، ۱۳۹۶: ۴۹۴).

لازم به ذکر است که برای تحقق خیانت در امانت، بایستی هر چهار مورد فوق وجود داشته باشد و در صورت فقدان حتی یکی از شرایط پیش‌گفته، تحقق بزه خیانت در امانت منتفی است. در خصوص اموال مشاع نیز، بایستی خاطر نشان کرد که در صورت وجود تمامی شرایط فوق‌الذکر محقق خواهد شد و در صورت عدم وجود شرایط فوق، مشروط نیز محقق نمی‌شود؛ برای مثال در صورتی که عنصر سپردن در مال مشاعی محقق نباشد، بحث از تحقق یا عدم تحقق جرم مزبور بی‌فایده خواهد بود؛ چرا که اساساً جرم خیانت در امانت محقق نشده است. در مقاله پیش رو بحث ثبوتی مطرح خواهد شد و منظور زمانی است که تمامی ارکان و شرایط بزه خیانت در امانت محقق باشد.

۱.۲. مال مشاع

اشاعه، در لغت به معنای نشر دادن و پراکنده کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۷:

۴۵۰. مادهی ۵۷۱ قانون مدنی^۱، شرکت را به اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد بنحو اشاعه تعریف نموده است و حق مالکیت هر شریک انتشار یافته در کل مال است و تصرف و انتفاع از هیچ بخشی از مال در انحصار هیچ یک از شریکان نیست؛ همچنین در مورد مال مشاع، گفتنی است تمام شریکان بر مال مشاع حق عینی دارند و حق به تناسب سهمی است که هر یک در این مجموعه دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۳۲). مال مشاع^۲ عبارت از مالی است که دو یا چند نفر به طور مشترک مالک جزء جزء آن هستند (میرشکاری و حسامی، ۱۳۹۹: ۱۷۸).

در حالت اشاعه، مالکیت شرکاء در تمام اجزا و ارکان مال است؛ به نحوی که هر جزئی از مال که در نظر گرفته شود، کلیه شرکاء در آن سهیم هستند و هیچ شریکی نمی تواند نسبت به جزئی از مال ادعای انحصاری داشته باشد (افتخار جهرمی و شفیع، ۱۳۹۹: ۳۹).

۱.۳. تحلیل بزه خیانت در امانت در مال مشاع

آنچه در تحقق خیانت در امانت و به طور کلی در جرایم علیه اموال اهمیت دارد؛ این است که «دیگری بودن مال» بایستی محرز گردد و جرایم علیه اموال در مورد «مال خود» قابل تحقق نمی باشد و این موضوع مورد اتفاق حقوقدانان می باشد. در خصوص مال مشاع؛ با امعان نظر به این که نص صریحی در این مورد وجود ندارد؛ برخی از حقوقدانان بزه را محقق و برخی دیگر قائل به عدم تحقق بزه مزبور می باشند که در ادامه به بررسی نظرهای گوناگون پرداخته می شود.

۱.۳.۱. قائلین به تحقق بزه خیانت در امانت در مال مشاع

قانون گذار به دنبال برقراری نظم و انضباط در جامعه می باشد و برقراری نظم در جامعه، بدون مطمح نظر قرار دادن مالکیت افراد میسر نمی باشد. یکی از مواردی که باید بدان توجه نمود احترام به مالکیت افراد در اموال مشاع می باشد. در این خصوص، باید مالکیت افراد به رسمیت شمرده شود و از ضایع شدن حقوق افراد

۱. شرکت عبارت است از: اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد بنحو اشاعه.

۲. البته در این جا منظور ما اشاعه مدنی است؛ والا شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل از شرکاء و سهام داران می باشد؛ چنان که در مادهی ۱۲۸ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ ارتکاب خیانت در امانت پیش بینی شده است.

جلوگیری گردد. حمایت کیفری درخصوص این نوع مالکیت جلوی سوءاستفاده‌ی فرصت‌طلبان را خواهد گرفت و مانع تعدی و تجاوز به حقوق سایر افراد خواهد شد. در همین راستا؛ درخصوص وقوع بزه تخریب رأی وحدت رویه‌ی ۱۰-۱۳۵۵/۲۱/۷ موجود است و مؤید این است که امکان بزه درخصوص مال مشاع وجود دارد. در این رأی، ارتکاب اعمال مذکور در آن ماده، در صورتی که مقرون به قصد اضرار و یا جلب منافع غیرمجاز با سوءنیت باشد قابل تعقیب و مجازات است؛ هرچند مالکیت اموال موضوع جرم، مشمول ماده فوق به‌طور اشتراک و اشاعه باشد.

برای جرم تخریب، ویژگی خاصی وجود ندارد تا ارتکاب آن تنها در مال مشاع امکان پذیر باشد و ارتکاب سایر جرایم علیه اموال در آن غیرممکن فرض شود. ارتکاب هر یک از جرایم علیه اموال در مال مشاع به مثابه مال مفروز امکان پذیر است (الفهوجی، ۱۴۲۱: ۶۷۵-۶۷۷)؛ مضافاً این‌که چون به هر حال شریکی که به مال مشاع دست‌اندازی کرده است به مال و مالکیت دیگری، تعدی و تجاوز روا داشته است؛ بنابراین عمل او مشمول جرایم علیه اموال است (منصورآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

همچنین شایان ذکر است، درخصوص بزه سرقت در ماده‌ی ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی، سرقت توسط شریک در مال مشاع پذیرفته شده است.^۱ برخی بر این باورند که چون همه شرکا در تمامی اجزاء مال شریک هستند، نمی‌توان آن را مال هر یک از شرکاء دانست و مالکیت طرف دیگر، به خودی خود باید مورد احترام قرار گیرد؛ لذا رفتار مجرمانه هر یک از شرکاء در مال مشاع جرم محسوب می‌شود (شکری و سیروس، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

تنها در صورتی می‌توان کسی را از ارتکاب جرایم علیه اموال مبری دانست که وی مالک مال باشد و چون همه‌ی شرکا در تمامی اجزاء مال مشاع شریک می‌باشند، نمی‌توان آن را متعلق به هر یک از شرکا دانست. نتیجه آن که رفتار مجرمانه‌ی هر یک از شرکاء در مال مشاع، جرم محسوب شده و حسب مورد موجب تحقق یکی از جرایم علیه اموال می‌گردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

ارتکاب جرم خیانت در امانت نیز، همانند سایر جرایم علیه اموال از سوی

۱. ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «هرگاه شریک یا صاحب حق، بیش از سهم خود، سرقت نماید و مازاد بر سهم او به حد نصاب برسد، مستوجب حد است.»

اساس موازین قانونی بوده و فاقد ایراد و اشکال مؤثر قانونی است و دلیلی که موجب تزلزل و نقض دادنامه موصوف شود از جانب تجدیدنظر خواه ارائه نشده و چون محکوم- علیه دادنامه بدوی فاقد سابقه کیفری است و همچنین با در نظر گرفتن وضعیت خاص او، دادگاه حبس مقرر را به سی میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت تبدیل و مستند به تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ضمن رد تجدیدنظر خواهی دادنامه تجدیدنظر خواسته را اعمال تخفیف اشاره شده تأیید می‌نماید و رأی صادره قطعی است.»

۱.۳.۲. قائلین به عدم تحقق بزه خیانت در امانت در مال مشاع

در مقابل مباحثی که از نظر گذشت؛ برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که تحقق بزه خیانت در امانت در مال مشاعی امکان پذیر نیست؛ چرا که هر یک از شرکاء در ذره ذره مال مشاع مالکیت دارند. چون هر جزء از مال مشاع متعلق به کلیه‌ی شرکاء می- باشد، آن را نمی‌توان نسبت به هر یک از شرکاء به مفهوم واقعی کلمه «مال غیر» دانست. نتیجه‌ی این نظر آن می‌شود که ارتکاب جرایم علیه اموال توسط یکی از شرکاء در مال مشترک قابل تصور نباشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

برخی از اساتید، نظر غالب حقوقدانان را بر عدم تحقق بزه خیانت در امانت در اموال مشاع می‌دانند. (واعظی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۵۰) برخی دیگر، در صورتی که مال امانت گذاشته شده به هر نحوی متعلق به امین باشد تحقق بزه مزبور را مخدوش می- دانند؛ بنابراین اگر معلوم شود که مال امانت گذاشته شده به‌نحوی از انحاء متعلق به امین بوده و امین آن را مسترد ندارد، خیانت در امانت محسوب نمی‌شود (شامبیاتی، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

۲. بررسی مبانی جرم‌انگاری

ملاحظه می‌شود حتی افرادی که اعتقاد به عدم امکان تحقق بزه خیانت در امانت در اموال مشاع هستند، هر دو استدلال را از لحاظ قوت، مساوی ارزیابی می- کنند و بر این عقیده‌اند که در انتخاب یکی از این دو نظر به‌عنوان نظر برتر با تردید مواجه می‌شوند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۹۲). حتی برگزیدن نظر اول را با انصاف و عدالت سازگارتر می‌دانند.

۲.۱. حمایت از بزه‌دیده

بایستی توجه داشت، در تحقق بزه، ذی‌نفع بودن شاکی کفایت می‌کند و مالکیت فرد در بخشی از اموال رافع مسئولیت وی نیست. همچنین باید دقت نمود؛ مادامی که سوءنیت توسط شریک وجود داشته باشد و تمامی ارکان و شرایط بزه وجود داشته باشد، ترجیح حق خائن در امانت بر شریک مال مشاع منطقی به نظر نمی‌رسد. این مهم زمانی پررنگ‌تر می‌شود که قیح عرفی این عمل حتی از سایر جرایم علیه اموال بیشتر هست چرا که فردی که مورد اعتماد شریک بوده است، مرتکب این عمل شده است و خائن در امانت علاوه بر بردن مال شریک از اعتماد او نیز سوء استفاده کرده است.

استدلال دیگری که می‌توان مطرح نمود؛ این است که هرچند شرکاء در جزء جزء اموال مشاع مالکیت دارند؛ لیکن می‌توان از منظری دیگر به این نکته توجه کرد که با امعان نظر به خیانت در امانت شریک خائن، در واقع به اجزایی تعرض شده است که دیگری نیز مالک آن بوده است و از این رو مستحق تعزیر است و تفسیر به نفع متهم دور از وجاهت است؛ به عبارت دیگر، صرف عدم تعلق مال به مرتکب موجب تحقق بزه می‌باشد. نگرستن از دید قربانی و بزه‌دیده - یعنی شریک یا شرکای دیگر - و شریک بودن آنان در تمامی اجزای مال مشاع، مرتکب را به ارتکاب جرم علیه اموال در مال مشاع سوق می‌دهد؛ مضافاً این‌که عموم و اطلاق ماده‌ی ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مؤید نظر برگزیده می‌باشد.

به نظر می‌رسد، جستن مبنایی در این خصوص می‌تواند ما را از تشتت آرای متعارض دادگاه‌ها و مضاف بر آن اختلاف نظر حقوقدانان برهاند. همان‌گونه که از نظر گذشت، درخصوص بزه تخریب، رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۱۰ - ۲۱/۷/۱۳۵۵ که لازم‌الاتباع نیز می‌باشد، بیانگر تحقق بزه در مال مشاعی می‌باشد. درخصوص بزه سرقت نیز ماده‌ی ۲۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به تحقق بزه مزبور در اموال مشاع تصریح دارد. دور از ذهن نیست که مبنای جرم - انگاری این جرایم درخصوص اموال مشاع را حمایت از بزه‌دیده و قربانی بدانیم و با توجه به این مبنای، تحقق بزه خیانت در امانت را در اموال مشاع ممکن بدانیم.

نظریه‌ی مشورتی شماره ۵۰۹۲/۷-۱۳۷۶/۰۹/۰۵ بیان داشته است: «مشاع بودن مال موجب عدم شمول ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی نمی‌شود...» که مهر تأییدی بر مدعای فوق است.

۲.۲. نظم عمومی جامعه

واژه نظم، ممکن است در زمینه‌های بسیاری مطرح گردد؛ لیکن اتصاف به وصف عمومی و پیدایش اصطلاح نظم عمومی در قلمرو حقوق، موجد قاعده‌ای است که در راستای حمایت و حراست از نهادهای حقوقی و نیز ثبات و تداوم مصالح و منافع همگانی، شکل گرفته است. این اصطلاح، از قرن نوزدهم به گونه‌ای علمی وارد عرصه‌ی حقوق گردیده و در دکترین حقوقی نیز مورد توجه واقع شده است (دانشور، ۱۳۹۹). برخی هر فعل یا ترک فعلی را که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد «جرم» می‌دانند (تاج زمان، ۱۳۶۴: ۴۳). شایان ذکر است؛ در حقوق ایران، هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست، مگر به موجب قانون برای آن مجازات و یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد.

خیانت در امانت در اموال مشاع چنانچه با سوءنیت و با تحقق تمام ارکان جرم محقق باشد، نظم و امنیت جامعه را مختل می‌سازد. بدین نحو که شریک هر بار که شرایط را محقق دید، با توجه به عدم ضمانت اجرای کیفری به خیانت در امانت در مال مشاع مبادرت خواهید ورزید.

در خصوص خیانت در امانت در اموال مشاع، نظم و انضباط جامعه، مستلزم این نکته می‌باشد که در صورت قائل نبودن به تحقق بزه، راه برای سوءاستفاده‌ی فرصت‌طلبان باز خواهد بود که به برهم زدن نظم جامعه مبادرت ورزند و نظم جامعه، ایجاب می‌کند که مورد حمایت کیفری قانون‌گذار باشد و عدم حمایت کیفری فاقد وجاهت است.

هر چند جرم‌انگاری یا عدم جرم‌انگاری در این خصوص منافاتی با مطرح کردن اختلاف در محاکم حقوقی ندارد؛ لیکن جرم‌انگاری بزه در فرض مزبور (اموال مشاع) به پیشگیری از چنین اقداماتی توسط شریک می‌انجامد. با توجه به این‌که در این خصوص نظم جامعه، هدف قرار داده می‌شود؛ جرم انگاشتن این عمل به پیشگیری

از بر هم خوردن نظم امنیت می‌انجامد. همچنین راه را برای سوءاستفاده‌ی سایرین خواهد بست.

از طرف دیگر بایستی خاطر نشان کرد که نظم عمومی مفهوم موسعی داشته و با توجه به این که تعاریف زیادی از این واژه شده است، نبایستی توسیع آن به حدی باشد که حقوق متهم را نادیده انگارد. به نظر می‌رسد این مبنا چندان قابل توجیه به نظر نمی‌رسد؛ چرا که تفسیر موسع از نظم عمومی جامعه، با اصل تفسیر به نفع متهم در تضاد می‌باشد؛ همچنین با امعان نظر به این که در قوانین تعریفی از نظم عمومی صورت نگرفته است، راه را برای تفسیرهای گوناگون محاکم باز می‌گذارد تا هر عملی را، با توجه به برهم خوردن نظم عمومی جامعه، جرم بدانند.

۲.۳. حمایت کیفری از مالکیت افراد

حق مالکیت، از حقوق بنیادین انسان بوده که در دو سده اخیر در قوانین اساسی مورد توجه قرار گرفته است. بررسی قانون اساسی حدود ۳۵ کشور نشان می‌دهد که در همه آن‌ها یک، دو یا سه اصل به موضوع احترام به مالکیت اختصاص یافته است؛ «اصل احترام مطلق به حق مالکیت»، «اصل سلب مالکیت تنها برای منافع عمومی با پرداخت بهای عادلانه» و «اصل ممنوعیت مصادره اموال به‌عنوان مجازات». در قانون اساسی ج.ا.ا. نیز در اصول ۲۲ و ۴۷ احترام به حق مالکیت مورد تضمین قرار گرفته است. این دو اصل با عبارات مختلف بیان «اصل احترام مطلق به حق مالکیت» هستند (امینی و کاشانی، ۱۳۸۶: ۱۹۳).

جرایم علیه اموال، مشتمل بر نقض حقوق مالکانه اشخاص می‌باشد. امروزه مفهوم مالکیت شخصی یکی از پایه‌های بنیادین بسیاری از جوامع را تشکیل می‌دهد و لازمه‌ی آزادی مدنی اشخاص شمرده می‌شود. تردیدی وجود ندارد که مفهوم مال و مالکیت و حمایت از آن‌ها از اهداف مهم دولت‌ها به شمار می‌رود. بنابراین؛ همان‌طور که افراد جامعه از آزادی‌های فیزیکی برخوردارند، حقوق و منافع مالی آنان نیز باید مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته و از تعرض مجرمین مصون بماند؛ به‌علاوه جامعه نیز از ارتکاب جرائم مالی زیان می‌بیند. پیش‌بینی خیانت در امانت به‌عنوان یکی از جرایم علیه اموال در این خصوص قابل توجیه است.

چنان که دانستیم، در اموال مشاع، شرکاء، در جزء جزء مال حق دارند. به‌عبارتی

با خیانت در امانت در مال مشاع به حقوق شریک دیگر دست‌درازی شده و این حقوق نقض شده است که نقض حقوق افراد، اقتضای این را دارد که مورد حمایت کیفری قانون‌گذار باشد.

خیانت در اموال مشاع نیز با توجه به این که نقض حقوق مالکانه‌ی افراد به - شمار می‌رود؛ قبیح بوده و مضافاً این که چون به هر حال شریکی که به مال مشاع دست اندازی کرده است به مال و مالکیت دیگری، تعدی و تجاوز روا داشته است؛ به نظر می‌رسد جرم انگاشتن خیانت در امانت در اموال مشاع با توجه به این مبنا، موجه باشد.

۲.۴. انصاف و عدالت

عدالت و انصاف هدف احکام و قواعد فقهی و حقوقی است. برخی به‌دلیل عدم تحقق مطلوب این هدف در فقه و حقوق، آن را به‌صورت قاعده‌ای ارائه نموده‌اند، تا فقها و قضات دادگستری، احکام و قوانین موجود در فقه و حقوق را با آن ارزیابی کنند و هر چه را که عقل آن‌ها مستقل از شرع مخالف با عدالت و انصاف بباید، کنار نهند و قوانین و احکام را آن‌گونه که مقتضی عدل و انصاف می‌دانند، صادر نمایند. (مهریزی و دیگران، ۱۳۹۵)

قاعده‌ی انصاف از جمله قواعد حقوقی است که در کنار اصول حقوقی وجود دارد و به‌استناد متکی بودن به اصول عالی و برتر اخلاقی می‌تواند سایر قواعد حقوقی را لغو کند یا تخصیص دهد.

قاعده‌ی انصاف، به‌معنای مدنظر قراردادادن شرایط و اوضاع و احوال قضیه و دخیل کردن آن‌ها در دادن رأی مقتضی است. در حقوق ایران به‌عنوان یک قاعده بیان نشده و برخی حقوقدانان آن را به‌عنوان یک منبع حقوق که نانوشته است، مطرح نموده‌اند (آزغ و دیگران، ۱۳۹۵: ۱).

چنان‌که بیان شد، افرادی که اعتقاد به عدم امکان تحقق بزه خیانت در امانت در اموال مشاع هستند، هر دو استدلال را از لحاظ قوت، مساوی ارزیابی می‌کنند و براین عقیده‌اند که در انتخاب یکی از این دو نظر به‌عنوان نظر برتر با تردید مواجه می‌شوند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۹۲). حتی برگزیدن نظر اول را با انصاف و عدالت سازگارتر می‌دانند.

به نظر می‌رسد پذیرفتن بزه خیانت در امانت در اموال مشاع با عدالت و انصاف سازگارتر باشد چرا که عدالت اقتضا می‌کند فردی که به مالکیت دیگری تعرضی روا دارد مورد پیگرد قرار گیرد؛ چه مال مشاع باشد و چه غیرمشاع.

۲.۵. عدم ویژگی خاص در تخریب و سرقت و تحلیل آن

هرچند در خصوص سرقت و تخریب در اموال مشاع اختلاف نظر وجود داشت؛ لیکن قانون‌گذار در خصوص سرقت به اختلاف نظرات پایان داد و تحقق در اموال مشاع در صورتی که مازاد بر حق باشد را امکان پذیر می‌داند. ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «هرگاه شریک یا صاحب حق، بیش از سهم خود، سرقت نماید و مازاد بر سهم او به حد نصاب برسد، مستوجب حد است».

در خصوص وقوع بزه تخریب رأی وحدت رویه ی ۱۰-۱۳۵۵/۷/۲۱ وجود دارد و مؤید این است که امکان بزه در خصوص مال مشاع وجود دارد. در این رأی، ارتکاب اعمال مذکور در آن ماده، در صورتی که مقرون به قصد اضرار و یا جلب منافع غیرمجاز با سوءنیت باشد، قابل تعقیب و مجازات است؛ هرچند مالکیت اموال موضوع جرم، مشمول ماده فوق به‌طور اشتراک و اشاعه باشد.

اکثر حقوقدانان اتفاق نظر دارند که صدور رأی در این زمینه نمی‌تواند مورد تفکیک قرار گیرد و تفکیک بین جرایم (تخریب با دیگر جرایم علیه اموال) توجیه منطقی و حقوقی ندارد. خصوصاً که اخیراً نیز، با تصویب قانون مجازات جدید؛ در ماده ۲۷۷ راجع به جرم سرقت این چنین آورده است. باید قائل بود که همه جرایم علیه اموال با یکدیگر دارای وحدت ملاک‌اند. (حسنی، ۷۲۷ و ۷۲۸، القهوجی، ۶۷۷-۶۷۵)

هرچند ممکن است گفته شود که در بزه خیانت در امانت، «سپردن» صورت می‌گیرد؛ ولی در تخریب و سرقت سپردنی وجود ندارد مضافاً این که قیاس اولویت و وحدت ملاک در قوانین جزایی راه ندارد. بنابراین پذیرفتن این مبنا چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

نتیجه گیری

هرچند پذیرفتن یکی از نظرات پیش‌گفته دشوار می‌نماید؛ لیکن با توجه به

مبنای که ذکر نمودیم، می‌توان مدعی خاتمه دادن تشمت آراء بود. مبنای که بتوان رویه‌ی واحدی درخصوص بزه خیانت در امانت در اموال مشاع پیش گرفت؛ همانا حمایت از بزه‌دیده؛ حفظ نظم عمومی؛ حمایت کیفری از مالکیت افراد؛ انصاف و عدالت و عدم ویژگی خاص در تخریب و سرقت از جرم است. به نظر می‌آید، تحقق بزه خیانت در امانت در اموال مشاع در صورت داشتن سوءنیت و سایر شرایط^۱ امکان پذیر باشد؛ با این استدلال که اولاً: نظم جامعه این اقتضا را دارد و با حمایت کیفری از بزه‌دیده می‌توان از سوءاستفاده‌ی فرصت‌طلبان جلوگیری کرد و این افراد را تعزیر نمود؛ ثانیاً: تعریف قانون مدنی درخصوص اموال مشاع، نافی جرم‌انگاری و حمایت کیفری از بزه‌دیده‌ی جرم نمی‌شود و اگر این‌گونه است که در جزء جزء مال مشاع مالکیت دارند، چرا در برخی از جرایم همانند سرقت و تخریب این بزه را محقق می‌دانیم؟ ثالثاً: رأی وحدت رویه‌ای که درخصوص بزه تخریب وجود دارد و همچنین توجه به ماده‌ی ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، همگی مهر تأییدی بر مبنای حمایت از بزه‌دیده در اموال مشاعی هستند؛ رابعاً: برای تحقق بزه خیانت در امانت در اموال مشاع، نیازی نیست که خائن، در بخشی از مال مالکیت داشته باشد؛ به عبارت دیگر، تنها در صورتی می‌توان کسی را از ارتکاب جرایم علیه اموال مبری دانست که وی مالک مال باشد و چون همه‌ی شرکاء در تمامی اجزای مال مشاع شریک می‌باشند، نمی‌توان آن را متعلق به هر یک از شرکاء دانست؛ در نتیجه جرم خیانت به دلیل دیگری بودن مال محقق می‌باشد؛ خامساً: انصاف و عدالت اقتضاء دارد که تحقق جرم خیانت در امانت را در اموال مشاع با توجه به مبنای پیش گفته بپذیریم.

پیشنهاد: تصویب ماده قانونی درخصوص امکان تحقق یا عدم تحقق بزه خیانت در امانت در اموال مشاع، توسط متولیان امر تقنین یا صدور رأی وحدت رویه در این خصوص، بتواند به تمامی این اختلاف نظرات پایان دهد.

۱. بدیهی است در صورتی که فرد به بیش از اندازه سهم خود خیانت کند بزه محقق است. در صورتی که به اندازه سهمش یا کم‌تر باشد بزه محقق نخواهد شد؛ همچنین وجود سوءنیت و وجود سایر شرایط خیانت در امانت و مضافاً سوءنیت، ضروری می‌باشد.

منابع

- ابن منظور (۱۴۱۷)، لسان العرب، جلد چهارم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- افتخار جهرمی، گودرز، شفیع، مجتبی (۱۳۹۹)، «وضعیت حقوقی اجاره مال مشاع»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره سی و سوم.
- آرز، اسماعیل، آزمیده، موسی، علامه‌ای، عبدالله، «بررسی و مقایسه انصاف و عدالت در حقوق»، تازه‌های حقوقی، دوره اول بهار هزار و سی صد و نود و پنج، شماره اول.
- القهوجی، علی عبدالقادر (۱۴۲۱)، قانون العقوبات، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
- امینی، منصور، کاشانی، سید صادق (۱۳۸۶)، «احترام به حق مالکیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دوره بیستم، شماره هفتاد و نه، صفحه ۱۷۱-۱۹۳.
- تاج زمان، دانش (۱۳۶۴)، مجرم کیست جرم‌شناسی چیست؟، چاپ دوم، تهران: مؤسسه کیهان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰)، ترمینولوژی حقوق، جلد اول، تهران: گنج دانش.
- دانشور، آیلین (۱۳۹۹)، «جرم اخلال در نظم عمومی جامعه و معیارهای آن در حقوق کیفری ایران»، دومین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی: تهران.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مجد.
- شکری، رضا، سیروس، قادر (۱۳۸۴)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مهاجر.
- غفوری، احمد (۱۳۹۶)، شرح آزمون قانون مجازات اسلامی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آریاداد.
- کاتوزیان، محمدناصر (۱۳۸۳)، اموال و مالکیت، دوره مقدماتی، چاپ هشتم، تهران: نشر دادگستر.
- کامفر، بهداد (۱۴۰۰)، دوره‌ی پیشرفته‌ی حقوق جزای عمومی و اختصاصی، چاپ چهارم، تهران: مهریویان پویا.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵)، **حقوق جزای اختصاصی**، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- منصورآبادی، عباس (۱۳۸۲)، «موضوع جرم در باب جرایم علیه اموال»، **مجله اندیشه های حقوقی**، سال اول، شماره چهارم.
- میرشکاری، حسامی، عباس، محمد (۱۳۹۹)، «هبه مال مشاع در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران»، **دو فصلنامه علمی پژوهش نامه حقوق اسلامی**، سال بیست و یکم، شماره اول.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۵)، **جرایم علیه اموال و مالکیت**، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، **جرایم علیه اموال و مالکیت**، جلد دوم، چاپ سی و پنجم، تهران: انتشارات میزان.
- مهریزی، مهدی و گیتی، خسرو و کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، «رعایت اصل انصاف در حقوق جزای ایران و بررسی آن در فقه امامیه»، **کنگره بین المللی جامع حقوق ایران**.
- واعظی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۸)، **حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)**، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه.